



قَوَاعِدُ الضَّادِ

القواعد العربيّة للقراءة و التّرجمة

النّحو

قواعد کاربردى عربى معاصر براى متن خوانى و ترجمه

مهدى اصغرى

سرشناسه	: اصغری، مهدی، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدید آور	: قواعد الضّادّ (۲) دستور کاربردی قواعد زبان عربی برای متن خوانی و ترجمه
مشخصات نشر	: تهران، مهدی اصغری، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۴ صفحه.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۰۶۳۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
مندرجات	: ج ۲: دستور کاربردی زبان عربی برای متن خوانی و ترجمه
یادداشت	: چاپ اول
موضوع	: زبان عربی، صرف نحو
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ق ۵۷الف / ۶۱۴۱ pz
رده بندی دیویی	: ۴۹۲/۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۷۰۸۷۶
تاریخ درخواست	: ۱۳۹۲/۶/۲۷
تاریخ پاسخگویی	: ۱۳۹۲/۷/۱
کد پیگیری	: ۳۴۰۴۹۰۴

قواعد الضّادّ

(جلد دوم: نحو)

تألیف: مهدی اصغری

تایپ: مینا دودانگه

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم / پاییز ۱۳۹۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۳۵-۵۵۸۳۳۵۴ و ۰۸۸۴۵۹۸۷۲-۰۲۱

سایت: www.arabnet.ir

مجموعه‌ی قواعد الضّادّ با متد مؤلف آن، تنها در مرکز توسعه آموزش زبان عربی (متاع) و یا با نظارت این مرکز تدریس می‌شود.

حق شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر از این اثر فقط برای ناشر محفوظ است.

فهرست

- أ مقدمه : أ
- درس ١ : المرفوعات: الفاعل و نائب الفاعل..... ١
- درس ٢ : المرفوعات: المبتدأ و الخبر(١)..... ١٢
- درس ٣ : المرفوعات: المبتدأ و الخبر(٢)..... ٢١
- درس ٤ : المرفوعات: اسم الأفعال الناقصة..... ٣١
- درس ٥ : المرفوعات: اسم الحروف المشبهة بليس وأفعال المقاربة..... ٤٠
- درس ٦ : المرفوعات: خبر الحروف المشبهة بالفعل..... ٤٩
- درس ٧ : المرفوعات: خبر لا النافية للجنس..... ٥٨
- درس ٨ : الاضافة و حروف الجر..... ٦٦
- درس ٩ : المراجعة (١)..... ٧٦
- درس ١٠ : المنصوبات: المفعول به (١)..... ٩٠
- درس ١١ : المنصوبات: المفعول به (٢)..... ٩٨
- درس ١٢ : المنصوبات: المُنَادى..... ١٠٧
- درس ١٣ : المنصوبات: الندبة و الاستغاثة، التحذير و الإغراء و الاختصاص..... ١١٦
- درس ١٤ : المنصوبات: اسماء التعجب و التفضيل..... ١٢٥
- درس ١٥ : المنصوبات: المفعول المطلق و المفعول معه..... ١٣٢
- درس ١٦ : المنصوبات: المفعول فيه و المفعول له..... ١٤٣
- درس ١٧ : المراجعة (٢)..... ١٥٣
- درس ١٨ : المنصوبات: الحال..... ١٦٣
- درس ١٩ : المنصوبات: التمييز..... ١٧٣

١٨١	درس ٢٠: المنصوبات: الاستثناء
١٨٩	درس ٢١: التّوابع: التّعت و التّوكيد
١٩٩	درس ٢٢: التّوابع: العطف و البدل
٢٠٨	درس ٢٣: انواع الجمل و إعرابها
٢١٨	درس ٢٤: المراجعة (٣)
٢٢٩	المفردات
٢٥٤	فهرس المصادر

مقدمه

زبان عربی

عربی یک زبان است. عربی زبان وحی و سنت معصومین علیهم السلام و زبان علم و ادب و هنر گذشته‌ی این مرز و بوم است. امروزه نزدیک به دو میلیارد مسلمان در سراسر جهان در پیوندی ناگسستنی با این زبان در ارتباطند و مردم ۲۲ کشور با این زبان سخن می‌گویند، می‌نویسند، می‌خوانند و می‌شنوند. مهمترین رویدادهای امروز جهان با این زبان و کاربران آن گره خورده است. بخش عمده‌ای از درآمد ناخالص جهان به کشورهای عرب زبان تعلق دارد. زبان عربی یکی از شش زبان رسمی در سازمان ملل متحد است. این واقعیت‌ها و بیش از این‌ها بیانگر بخشی از اهمیت جهانی و رشد روزافزون کاربرد این زبان است.

اگر عربی را به عنوان یک زبان بپذیریم باید پذیرفت که فرآیند یادگیری دستور آن می‌بایست به سمت آشنایی با مهارت‌های اصلی زبان یعنی سخن گفتن و نوشتن و درک مفهوم آن هنگام شنیدن و خواندن به سرانجام رسد. از این نگاه قواعد عربی ابزاری است برای فهمیدن و فهماندن مقصود زبان نه هدف و غایت آموزش آن و نکات دستوری در این فرآیند وسیله‌ای است از وسایل درک معانی در مسیر برقراری ارتباط با گویشوران و کاربران این زبان.

اهداف کتاب

با علم به آنچه گفته شد هدف اصلی مجموعه کتاب‌های "قواعد الضاد"* از آموزش دستور زبان عربی، دستیابی مخاطبش به مهارت درک متون عربی هم‌زمان با خواندن آن و

* زبان عربی در میان عرب زبانان به "اللغة الضاد" شهرت یافته و این کتاب، "قواعد الضاد" نام گرفته است تا اشاره ای باشد به نگاه آن به عربی به عنوان یک زبان با تمام ویژگی‌های کاربردی آن.

کسب توانائی ترجمه‌ی این متون و در نهایت به دست آوردن آمادگی برای سخن گفتن و نوشتن با این زبان است. البته پر واضح است که تحقق این هدف با فرض موفقیت این مجموعه در طی این مسیر امکان‌پذیر نیست مگر آنکه چنین هدفی در نگرش، باور و گنیش مدرس و یادگیرنده‌ی آن نیز متبلور شود و در دستور کار آموزش ایشان قرار گیرد.

آشنایی با کتاب

به منظور دستیابی به هدف پیش گفته، هر درس با شرح نکات دستوری و با مثال‌های کاربردی در گفت و گوهای روزمره و در تمرینات با یک متن هدفمند با سبک و سیاق داستانی آغاز می‌شود که شامل شاهد مثال‌های ویژه‌ی آن درس است. اینگونه، مثال‌های موضوعات دستوری در متون کاربردی عربی معاصر دیده و بررسی می‌شود. این متون به همراه تمرین‌ها بیش از ۳۰۰۰ واژه‌ی معاصر عربی را در بر دارد. تمرین‌ها، متنوع و تأمل‌برانگیز طراحی شده است تا ذهن یادگیرنده را به چالش کشد و او را به تحلیل و تفکر وا دارد. تمرین‌ها، موضوع دستوری هر درس را در دو بعد تشخیص و کاربرد پوشش می‌دهد و در پایان هر درس، با پرسش‌های ۴ گزینه‌ای (مشمول بر نزدیک به ۱۰۰۰ پرسش) و کلمات جدید آن درس، به اتمام می‌رسد. از طرفی برای کاربردی شدن صرف، از ابتدای کتاب بخشی از نحو که کاربرد بیشتری دارد نیز آورده شده است لذا در کنار کلمه از جمله و اجزاء اصلی تشکیل دهنده‌ی آن نیز سخن می‌گوئیم و تمرین می‌کنیم. همچنین به منظور مرور و یادآوری مطالب دروس گذشته، درس‌هایی با عنوان «مراجعه» در خلال دروس گنجانده شده است.

چگونه بیاموزیم

در شیوه‌ی درست یادگیری قواعد، مثال‌ها تحلیل شده و از آن‌ها قاعده استنباط می‌شود سپس آن قاعده در مثال‌های متنوع جستجو شده و سعی در اجرای آن در نمونه‌های دیگر می‌شود. نتیجه‌ی این یادگیری می‌بایست در درک همزمان با خواندن درست متن و ترجمه‌ی آن به زبان فارسی تبلور یابد. لذا قواعد را باید در مثال‌ها آموخت و مثال‌ها را به عنوان کدهای یادگیری و تعمیم قاعده و نهایتاً تولید موارد مشابه به خاطر سپرد.

تمرین‌های کتاب متنوع و چند بعدی و نوعاً دشوار است. تمرین دشوار نشانه‌ی یادگیری است و تمرینات آسان به معنای تکرار اطلاعات گذشته و تثبیت آن است. هدف از تمرین کردن کسب مهارت است نه حفظ اطلاعات. اطلاعات در اثر پردازش و تکرار به مهارت و آنگاه به ملکه‌ی ذهن تبدیل می‌شوند و مهارتی که ملکه‌ی ذهن شود پایدار و ماندگار است.

تمرین به معنای تحلیل، استنتاج و تکرار، اساس یادگیری و محور اصلی رویکرد این کتاب است. از این رو نوشتن تمرین تنها پس از تکرار آن سودمند است. پردازش اطلاعات در ذهن و تکرار آن، عامل انتقال آن اطلاعات از حافظه‌ی کوتاه مدت به بلند مدت و موجب پایداری و ماندگاری آن در ذهن است.

دستورالعمل‌های تألیف کتاب

۱- زبان آموزش دستور عربی به لحاظ محتوا، زبان عمومی نوشتار و گفتار در کاربرد روزمره و امروزی زبان عربی فصیح است.

- ۲- به مثال و تمرین و تکرار بیش و پیش از نکات دستوری و تحلیل صرفی و نحوی توجه شده است.
- ۳- از توجه به شکل انتزاعی و کلی قواعد پرهیز شده است دانش زبانی در حیطه‌ی دستور زبان محدود به دانستن و آشنایی با اصطلاحات دستوری و انباشت محفوظات در ذهن نیست.
- ۴- موضوع آموزش، معنا و محتوای زبان و نه لفظ و شکل آن است لذا معنا مداری، موضوع و محور یادگیری زبان تلقی شده است و شکل الفاظ و قواعد کلمه و کلام، ابزاری است برای انتقال معانی و دریافت آن.
- ۵- اطلاعات زبانی و محفوظات در خدمت درک و بیان مفهوم زبان و دستیابی به مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان به کار گرفته شده است.
- ۶- از توجه به شاذ و نادر و خلاف اصل که فرآیند آموزش را از اهتمام به اصل کاربردی زبان منحرف می‌سازد پرهیز شده است.
- ۷- ترجمه‌ی روان جهت دستیابی به درک مطلب و تمرین نگارش زبان فارسی به عنوان بخشی از دانش زبانی زبان‌آموز در دستور کار قرار گرفته است.
- ۸- هدف؛ ۱- درست ۲- روان و ۳- سریع خواندن متون و درک صحیح و همزمان مفهوم آن است.
- ۹- مشاهده، تشخیص و تحلیل سپس استنتاج قاعده و کاربرد آن و تولید موارد مشابه محور آموزش است.
- ۱۰- مخاطب این مجموعه مقطع دبیرستان را به پایان رسانده است.

زمان بندی آموزش کتاب

موضوع اصلی جلد اول صرف است که شامل ۴۲ درس می‌شود. به طور میانگین برای:
 ۱- تدریس هر درس ۲- پرسش از آن و ۳- انجام تمریناتش (بسته به تعداد یادگیرندگان
 در کلاس و سطح و پیش زمینه‌ی علمی آنها) حداقل ۳ ساعت و حداکثر ۴ / ۵
 ساعت وقت در نظر گرفته شده است. بنابر این جلد اول را می‌توان بین ۱۲۶ تا
 ۱۸۹ ساعت آموزش داد.

موضوع جلد دوم نحو است و از ۲۴ درس تشکیل می‌شود. برای تدریس هر درس و
 پرسش از آن و انجام تمریناتش در کلاس از ۴/۵ تا ۶ ساعت وقت اختصاص داده شده
 است. از این رو جلد دوم در مدت زمان ۱۰۸ تا ۱۴۴ ساعت قابل آموزش است.

در پایان سپاسگزار و قدردان تلاش‌های بی دریغ و زحمات دلسوزانه‌ی مدرسان مرکز
 توسعه آموزش زبان عربی هستم به ویژه آقای علیرضا انتظاری راد و خانم‌ها فاطمه آبادی
 و زهرا توکلی که در اصلاح لغزش‌های کتاب و به انجام رسیدن آن همواره یار و همراه من
 بودند و هرچه در توان داشتند خالصانه به کار بستند.

و من الله التّوفیق

مهدی اصغری

پاییز ۱۳۹۴

علم النحو

در مباحث صرفی به بررسی کلمه (فعل و اسم) به تنهایی (خارج از ترکیب) پرداختیم. مثلاً فعل را از ابعاد گوناگون همچون زمان، صیغه، حروف اصلی و اسم را از نظر تعداد، جنس، معرفه یا نکره بودن و . . . مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. اما در علم نحو به بررسی موقعیت کلمه در پیوند با کلمات دیگر می‌پردازیم و نقش و اعراب آن را در ارتباط با اجزاء دیگر ترکیب بررسی می‌کنیم. مثلاً در عبارت: زَارَ عَلِيٌّ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ، «عَلِيٌّ» نقش فاعلی دارد و اعراب آن رفع است و «صَدِيقَ» نقش مفعولی دارد و اعرابش نصب می‌باشد و ضمیر «هُ» مضاف‌الیه است و اعراب آن جرّ است و بالاخره «الْحَمِيمَ» صفت «صَدِيقَ» است و اعراب آن به تبعیت از موصوفش (صَدِيقَ)، نصب می‌باشد.

هر یک از اسماء: عَلِيٌّ (مرفوع)، صَدِيقَ (منصوب)، هُوَ (مجرور) و الْحَمِيمَ (تابع منصوب) را به ترتیب در مباحث مرفوعات، منصوبات، مجرورات و توابع خواهیم خواند.

این ۴ مبحث تشکیل دهنده موضوع علم نحو هستند. هر یک از این مباحث شامل مصادیقی است که در ترکیب، نقش‌های نحوی به شمار می‌آیند. مثلاً مرفوعات، شامل فاعل، نائب فاعل، مبتدا، خبر، اسم افعال ناقص و مقاربه و حروف شبیه به لیس و خبر حروف شبیه به فعل و لاء نفی جنس می‌شود.

۱

المرفوعات: الفاعلُ و نائبُ الفاعل

- ۱ فاعل چیست؟
- ۲ انواع فاعل کدامند؟
- ۳ نائب فاعل چیست؟
- ۴ موارد وجوب و جواز تأنیث فعل کدامند؟
- ۵ جمله مُؤَوَّل به مصدر کدام است؟

۱ الفاعل: به اسمی مرفوع پس از فعلی معلوم و تام که وقوعش وابسته به آن اسم است، فاعل گفته می شود. در نتیجه فعل، حرف و یا اسم منصوب یا مجرور و یا اسمی که قبل از فعل یا بعد از فعل مجهول آمده است نمی تواند فاعل باشند. همچنین اسمی که به فعلی ناقص مانند **كَانَ** نسبت داده شود فاعل نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، **عَلِيٌّ** در عبارت (**كَتَبَ عَلِيٌّ**) فاعل است و فاعل در عبارت: **عَلِيٌّ كَتَبَ** هو مستتر بوده و در عبارت (**التَّلَامِيذُ كَتَبُوا**) فاعل، ضمیر بارز "واو" می باشد. همچنین در جمله‌ی: (**يُمْكِنُنِي أَنْ أَكْتُبَ بِالْعَرَبِيَّةِ**): نوشتن به عربی برایم امکان پذیر است یا می توانم به عربی بنویسم) عبارت (**أَنْ أَكْتُبَ**) به معنای **کتابه** می باشد و فاعل **مُؤَوَّلٌ** به مصدر به شمار می رود.

۲ **أنواعُ الفاعل**: با توجه به مثال‌های بالا، فاعل می تواند اسم ظاهر مانند: «**عَلِيٌّ**» یا ضمیر مستتر مانند: **هو** و یا ضمیر بارز مانند **واو** باشد. فاعل در این مثال‌ها اصطلاحاً "صریح" است. فاعل صریح در برابر فاعل مؤول مانند **أَنْ أَكْتُبَ** به کار می رود.

فاعل در صیغه‌های ۱ و ۴ افعال ماضی و مضارع اسم ظاهر یا ضمیر مستتر است. لذا ضمائر در این دو صیغه جائر الاستتارند. مانند: **ذَهَبَ حَسِينٌ** (**حَسِينٌ**: فاعل: اسم ظاهر)، **حَسِينٌ يَذْهَبُ**: (فاعل: ضمیر مستتر هو). **ذَهَبَتْ فَاطِمَةُ**: (فاعل: اسم ظاهر)، **فَاطِمَةُ تَذْهَبُ**: (فاعل: ضمیر مستتر هي)

در صیغه‌های ۷ و ۱۳ و ۱۴ افعال مضارع، ضمائر مستتر **أَنْتَ**، **أَنَا** و **نَحْنُ** به ترتیب فاعل هستند. این ضمائر واجب الاستتارند. یعنی فاعل در این صیغه‌ها نمی تواند اسم ظاهر یا ضمیر بارز باشد.

۳ نائبُ الفاعل: هر گاه فعلی مجهول، به اسمی مرفوع که پس از آمده است نسبت داده شود به آن اسم، نائب فاعل گفته می‌شود. ویژگی‌ها و قواعد فاعل و نائب فاعل به استثناء مجهول بودن فعلِ نائب فاعل یکی است لذا نائب فاعل نیز دارای احکام فاعل و اقسام اسم ظاهر و ضمیر مستتر و بارز و مؤول می‌باشد.

مانند: يُكْتَبُ الدَّرْسُ. الدُّرُوسُ كُتِبَتْ. التَّلَامِيذُ نُصِرُوا.

و مانند: (أُعلِنَ أَنَّ الطَّالِبَ ناجِحٌ في الإمتحان: اعلام شد که دانشجو در امتحان قبول شده است یا قبولی دانشجو در امتحان اعلام شد). أَنَّ الطَّالِبَ ناجِحٌ به معنای: نَجَاحُ الطَّالِبِ بوده و نائب فاعل است.

۴ تأنيث الفعل و تذکیرهُ: در صورتی که فعل در صیغه‌های ۱ و ۴ ماضی و مضارع

به مؤنث حقیقی اسناد داده شود، باید مؤنث آورده شود در این صورت گفته می‌شود فعل واجب التأنيث است و فرقی نمی‌کند به ظاهر آن اسناد داده شود، مانند: تَذْهَبُ فَاطِمَةُ (فاطمة اسم ظاهر و فاعل است) یا به ضمیر آن، مانند: فَاطِمَةُ تَذْهَبُ (هی مستتر، فاعل و عائد به مؤنث حقیقی است) و مانند: (الشَّاءُ بِيَعَتْ: گوسفند فروخته شد) که نائب فاعل هی مستتر است که به مؤنث حقیقی بر می‌گردد و در (بِيَعَتْ الشَّاءُ) نائب فاعل اسم ظاهر (الشَّاءُ) است.

هم‌چنین اگر فاعل یا نائب فاعل ضمیری مستتر باشد که به مؤنث مجازی برمی‌گردد، مؤنث بودن فعل واجب است. مانند: (التَّافِذَةُ انْسَدَّتْ: پنجره بسته شد) که فاعل هی مستتر عائد به مؤنث مجازی است و مانند: التَّافِذَةُ فُتِحَتْ که نائب فاعل هی مستتر عائد به مؤنث مجازی است اما در صورت اسناد فعل به ظاهر مؤنث مجازی، تأنيث و تذکیر آن یکسان است یعنی فعل جائر التأنيث است، مانند: انْسَدَّتْ یا انْسَدَّتْ التَّافِذَةُ

که فاعل اسم ظاهر و مؤنث مجازی است و مانند: **فُتِحَتْ** یا **فُتِحَ النافذةُ** که نائب فاعل اسم ظاهر و مؤنث مجازی است.

یادآوری: حکم جمع مکسر و جمع مؤنث سالم برای غیر انسان همچون مفرد مؤنث مجازی است یعنی در صورت اسناد فعل به ظاهرشان جازز التأنیث و در صورت اسناد به ضمیر آنها فعل، واجب التأنیث است. مانند: **طار** یا **طارَتِ الطیورُ/ الطیورُ طارتُ** (واجب التأنیث) و **بیعَ** یا **بیعتِ الساعاتُ/ الساعاتُ بیعتُ** (واجب التأنیث).

در صورتی که فاعل، اسم ظاهر و مثنی یا جمع باشد یعنی فعل مقدم بر اسم مثنی یا جمع باشد فعل، مفرد (صیغه ۱ یا ۴ ماضی یا مضارع) به کار می‌رود مانند: **کتبَ الرَّجُلانِ یا الرَّجُلُ/ یعملُ الرجلانِ یا الرجلُ/ ذهبَتِ المرأتانِ یا النساءُ/ تمشی المرأتانِ یا النساءُ** و در حالت مقدم بودن اسم مثنی یا جمع بر فعل و اسناد فعل به آنها، فعل را متناسب با اسم سابق مثنی یا جمع به کار می‌بریم مانند: **الرجُلانِ کتبا/ الرجُلانِ یتبوا/ الرجُلانِ یعملانِ/ الرجُلانِ یعملونَ/ المرأتانِ ذهبتا/ النساءُ ذهبنَ/ المرأتانِ تمشیانِ/ النساءُ یمشینَ.**

برای مجهول کردن ساختار یک جمله، فاعل را حذف کرده مفعول به را رفع داده به جای فاعل قرار می‌دهیم. سپس فعل را مجهول می‌کنیم و به اسم مرفوع اسناد می‌دهیم در این صورت مفعول به، نائب فاعل به شمار می‌رود. مانند: **استُخدمَ التلمیذُ الکلماتِ الجدیدةَ ← أُستُخدمَتِ الکلماتُ الجدیدةُ** (مجهول).

در افعال متعدی به دو مفعول پس از مجهول شدن، مفعول اول مرفوع شده و نائب فاعل به شمار می‌آید. اما مفعول دوم به همان شکل منصوب و مفعول به، باقی می‌ماند. مانند: **(سَمَّینا الولیدَ علیاً: نوزاد را علی نامیدیم). الولیدُ: مفعول ۱، علیاً: مفعول ۲ (مجهول) ← (سَمَّیَ الولیدُ علیاً: نوزاد علی نامیده شد). الولیدُ: نائب فاعل/**

علياً: مفعول به و مانند: أعطيتُ التلميذَ كتاباً، التلميذُ: مفعول ۱ كتاباً: مفعول ۲ ←
أُعطيَ التلميذُ كتاباً (مجهول) ← التلميذُ: نائب فاعل كتاباً: مفعول به .

ه المؤول الى المصدر: برخی جملات در معنا معادل مصدر فعلشان هستند. مثلاً
جملاتی که از "أن" ناصبه به همراه فعل مابعدش تشکیل می‌شوند برابر مصدر آن فعل به
شمار می‌آیند. مانند: (يُعجِبُنِي أَنْ أَشْرَبَ الْقَهْوَةَ بِالْحَلِيبِ: خوشم می‌آید قهوه را با شیر
بنوشم) که در آن ی مفعول و أَنْ أَشْرَبُ: فاعل است. (أَنْ أَشْرَبُ) به معنای (شُرِبَ:
نوشیدن) است. (شُرِبَ) مصدر مؤول یا تفسیر شده‌ی (أَنْ أَشْرَبُ) است و در اینجا به
دلیل فاعل بودن مرفوع است. لذا تأویل یا تفسیر جمله فوق چنین است: «يُعجِبُنِي شُرْبُ
القهوة بالحليب» و مانند: (أمكنني أن أشارك في فصول الجامعة: شرکت در
کلاس‌های دانشگاه برای من امکان‌پذیر شد) که «أَنْ أَشَارِكُ» در تأویل
«المشاركة» بوده و فاعل است. یعنی أمكنني المشاركةً.

هم‌چنین «أَنَّ» و جمله‌ی ما بعدش در معنای مصدر فعل آن جمله است مانند:
(أظنُّ أَنَّ الشَّوَارِعَ تزدحم اليوم: فکر می‌کنم خیابانها امروز شلوغ باشد) أَنَّ الشَّوَارِعَ
تزدحم به معنای «ازدحام الشوارع» بوده و مفعول به و مصدر مؤول منصوب است.
موارد دیگر تأویل جمله به مصدر را در دروس آینده می‌آموزیم.

❖ ۱ إقرأ النصَّ قِراءةً صَحيحةً ثُمَّ تَرجمه إلى الفارسيَّة.

بعد انتهاء العام الدراسي عزم والدي على قضاء فصل الصيف في الجبل ليهرب من حرّ
المدينة و دُخان مصانعها و كثرة أشغالها و ليطلب الراحة و الإستجمام.
يتمتع الجبل بمناظره الجميلة و مناخه الجيد الذي يبعث النشاط و الحيوية في النفوس. لذلك
لم يترك مكاناً دون أن نتحوّل فيه. فمن رابية إلى أخرى و من نبع إلى آخر و كُنّا لا نعود
إلى البيت إلا في المساء. و في الصباح الباكر كُنّا نستيقظ لنقوم بجولة أخرى.

كُنْتُ أَتَأَبَّطُ كِتَابِي وَ أَقْصِدُ النَّبْعَ الْمُجَاوِرَ، أَقْرَأُ حِينًا وَ أُسْتَلْقِي عَلَى صَخْرَةٍ مَلْسَاءٍ فِي حِينٍ آخَرَ وَ أَنَا تَحْتَ ظِلِّ شَجَرَةِ الصَّنَوْبَرِ الَّتِي يَتَوَافَدُ إِلَيْهَا الطُّيُورُ كَمَا كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَى الْحُقُولِ وَ الْبَسَاتِينِ الَّتِي كُسِبَتْ بِحُضْرَةِ النَّبَاتَاتِ وَ مُلِئَتْ بِوَفْرَةِ الثَّمَارِ.

مَا أَجْمَلَ الْحَيَاةَ فِي الْجَبَلِ. إِنَّهَا تَجْعَلُ الْإِنْسَانَ مُتَعَلِّقًا بِالْأَرْضِ وَ الطَّبِيعَةِ. كَمْ أَتَمَنَّى لَوْ تَكُونُ إِقَامَتِي فِي الْجَبَلِ وَ لَكِنَّ الصَّيْفَ قَدْ إِنْتَهَى وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُ الْمَدَارِسِ لِئُسْتَقْبَلَ فِيهَا الطُّلَابُ وَ لِيُعَدُّوا لِلْحَيَاةِ. آه لَيْتَ الصَّيْفَ يَدُومُ!

❖ ٢ أجب عن الأسئلة التالية حول النص السابق.

١ مَنْ عَزَمَ عَلَى قَضَاءِ فَصْلِ الصَّيْفِ فِي الْجَبَلِ؟

٢ بِمَ يَتَمَتَّعُ الْجَبَلُ؟

٣ مَتَى كَانُوا يَسْتَقِيمُونَ؟

٤ مَاذَا كَانَ الْكَاتِبُ يَتَأَبَّطُ؟

٥ إِلامَ كَانَ يَنْظُرُ؟

٦ كَيْفَ تَجْعَلُ الْإِنْسَانَ حَيَاةَ الْجَبَلِ؟

❖ ٣ إملأ الجدول التالي بأنواع الفاعل و نائب الفاعل في النص.

الفاعل	نائب الفاعل	نوعه	علامة رفعه	فعله
والدي	-----	اسم ظاهر	تقديري	عزم
-----	هي	ضمير مستتر	محلي	كسبت

❖ ٤ حوّل المبنية للمعلوم إلى المبنية للمجهول و بالعكس و غير ما يلزم.

١ أقيم حفلًا عظيمًا بمناسبة يوم التلميذ. (المدرسة)

٢ ألبست الأم البنت ثيابًا جميلةً.

- ٣ جِيءَ بِمَوْضوعاتٍ مُهِمَّةٍ فِي هَذَا الْكِتابِ. (الكاتبة)
- ٤ لا أَنْسى تِلْكَ اللَّحْظَاتِ الَّتِي قَضَيْتُهَا فِي الْمَدْرَسَةِ.
- ٥ ضُمَّدَتِ الْجُرُوحُ وَ خُفِّفَ عَنِ الْأَلامِ فِي الْمُسْتَوْصَفِ. (المُمرِّضة)
- ٦ إِهْتَمَّ الْمَسْؤُولُونَ بِتَنْظِيمِ الْمُرُورِ، فَأَقَامُوا الْجُسُورَ وَ حَفَرُوا الْأَنْفاقَ.
- ٧ رُوِيَتْ أَحْداثُ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ وَ نُقِلَتْ مِنْ جِيلٍ إِلَى آخَرَ. (الناس)
- ٨ أَرْسَلَنِي إِلَى الْمَدْرَسَةِ ثُمَّ أَرْجَعُ بِي إِلَى الْبَيْتِ مَساءً.
- ٩ بُنِيَتْ الْأَكْواحُ ثُمَّ أُحِيطَتْ بِسُورٍ مِنْ اغْصانِ الْأَشْجارِ. (الفلاحون)
- ١٠ أَعْطَى الْأَبُ الطَّفْلَةَ مَبْلَعاً مِنَ الْمالِ.

٥ ❖ بَيِّنْ أَنْواعَ الْأَسْماءِ الْمُشارِ إِلَيْها بِخَطِّ فِي النَّصِّ كما فِي الْمِثالِ:

المجرور	نوعه	علامة جره	المنصوب	نوعه	علامة نصبه
العام	مضاف إليه	كسرة	الراحة	مفعول به	فتحة

٦ ❖ اُكْتُبِ التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ لِلأَفْعالِ التَّالِيَةِ كما فِي الْمِثالِ.

(لِيَهْرَبَ - لَمْ يترك - أَنْ نَتَجَوَّلَ - كُسِيتَ - نَسْتَيْقِظُ - قَدْ انْتَهَى - كُنَّا - أَضِفْ)

الفعل	نوعه	الصيغة	الحروف	لازم/	معلوم/	جنس	معرب/	تام/
لِيَهْرَبَ	مضارع منصوب	غائب	ثلاثي مجرد	لازم	معلوم	سالم	معرب	تام

٧ ❖ اُكْتُبِ التَّحْلِيلَ الصَّرْفِيَّ لِلأَسْماءِ التَّالِيَةِ كما فِي الْمِثالِ.

(والدي - أخرى - البساتين - الأرض - النباتات - مَلَساء - اللَّيالي)

نوع علامة الإعراب	منصرف / غير منصرف	معرب / مبني	صفة / موصوف	جامد / مشتق	نكرة / معرفة	مذكر / مؤنث	مفرد / مثنى / جمع	الاسم
تقدير	منصرف	معرب	موصوف	اسم فاعل	معرفة	مذكر	مفرد	والدي

٨ إِمْلَأُ الْفَرَاقَاتِ بِالْأَفْعَالِ الْمُنَاسِبَةِ مُسْتَعِينًا بِمَا بَيْنَ الْقَوْسَيْنِ.

- ١ الشوارع السريعة حركة المرور في المَدِينِ الْكَبِيرَةِ. (س ه ل / مضارع / تفعيل)
- ٢ رجال الإطفاء الحانوتَ مِنَ الْحَرِيقِ بِسُرْعَةٍ. (ن ق ذ / ماضي / إفعال)
- ٣ التلميذاتُ التَّشِيطاتُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. (و ق ف / ماضي / ثلاثي مجرد)
- ٤ الْمُرَضَّاتُ بِالْمُصَابِينِ فِي قِسْمِ الطَّوَارِئِ. (ع ن ي / مضارع / افتعال)
- ٥ السحاجيدُ الْإِيرَانِيَّةُ فِي أَنْحَاءِ الْعَالَمِ لِحُودِهَا. (ب ي ع / مضارع مجهول / ثلاثي مجرد)

- ٦ الْمُزَارِعُونَ فِي الْمَزَارِعِ الْحَشْرَاتِ الَّتِي بِالْمَحَاصِيلِ الزَّرَاعِيَّةِ. (ك ف ح / مضارع / مفاعلة) (ض ر ر / مضارع / إفعال)
- ٧ حَفْلَةٌ كَبِيرَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ تَكْرِيماً لِمَنْزِلَةِ الْمُعَلِّمِ. (ق و م / ماضي مجهول / إفعال)
- ٨ الْأَطْفَالُ الْأَبْرِيَاءُ فِي شَوَارِعِ فِلَسْطِينِ. (ش ه د / مضارع مجهول / استفعال)

٩ اَكْتُبِ الْمَصَادِرَ الْمُؤَوَّلَ إِلَيْهَا وَبَيِّنْ أَعْرَابَهَا فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ.

- ١ طَلَبَ الْمُعَلِّمُ مِنَ التَّلْمِيذِ أَنْ يَمْسَحَ السَّبَّوْرَةَ.
- ٢ أَرَادَ الْمُسَافِرُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى وَطَنِهِ.
- ٣ حَاولُوا أَنْ تُمارِسُوا دروسَكُمْ فِي الْبَيْتِ.
- ٤ أَرَعَبْتُ فِي أَنْ أَتَكَلَّمَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا.

٥ يَبْغِي أَنْ يُدْرِكَ الشَّابَّ قِيمَةَ أَوْقَاتِهِ.

٦ نَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُؤَقِّقَنَا فِي خِدْمَةِ الْوَطَنِ.

٧ يَجِبُ أَنْ بَجْتَهْدَ فِي تَحْقِيقِ آمَالِنَا.

٨ تَقَرَّرَ أَنْ يُقَامَ الْامْتِحَانُ فِي الْأَسْبُوعِ التَّالِي.

❖ ١٠ انتخب الجواب الصحيح للأسئلة التالية.

١ في أيِّ إجابةٍ لم يُسْتَعْمَلِ الْفَاعِلُ؟

الف: تَعَلَّمْتُ الدَّرْسَ ب: التَّلَامِيذُ لَعِبُوا ج: الْكُتُبُ قُرِئَتْ د: نَجَحَ الطَّالِبُ

٢ عَيَّنِ الْمَبْنِيَّةَ لِلْمَجْهُولِ لِجَمَلَةِ « وَعَدَّ الْأَبُ الْبِنْتَ بِشِرَاءِ فُسْتَانٍ ».

الف: وَعَدَّ الْبِنْتَ بِشِرَاءِ فُسْتَانٍ ب: وَعَدَّتِ الْبِنْتُ بِشِرَاءِ فُسْتَانٍ

ج: وَعَدَّتِ الْبِنْتُ بِشِرَاءِ فُسْتَانٍ د: وَعَدَّتِ الْبِنْتَ بِشِرَاءِ فُسْتَانٍ

٣ ما هو الصحيح عن المبنية للمجهول لجملة « اسقى الأشجار أيها الفلاح »؟

الف: تُسْقَى الْأَشْجَارُ ب: اسقى الأشجار ج: سُقِيَتِ الْأَشْجَارُ د: لَتُسَقَى الْأَشْجَارُ

٤ أيُّ إجابةٍ يَضُمُّ الْفَاعِلُ؟

الف: الْبِنْتُ سُمِلَتْ ب: لَيْسَ الْأَبُ فِي الْبَيْتِ

ج: كَانَ عَلِيٌّ كَاتِبًا د: الْمُعَلِّمَةُ حَضَرَتْ

٥ ما هو الفاعل في عبارة « لا تكسل، أيها الطالب »؟

الف: أَنْتَ الْمُسْتَتِرُ ب: الطَّالِبُ ج: أَيُّهَا د: هِيَ الْمُسْتَتِرُ

٦ عَيَّنِ الصَّحِيحَ عَنْ أَنْوَاعِ الْفَاعِلِ فِي « خَرَجَ عَلَيَّ وَ اخُوهُ مِنَ الْبَيْتِ لِيَتَنَاوَلَا الطَّعَامَ فِي الْمَطْعَمِ »؟

الف: اسْمُ ظَاهِرٍ، ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ ب: ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ، ضَمِيرٌ بَارِزٌ

ج: ضَمِيرٌ بَارِزٌ، اسْمُ ظَاهِرٍ د: اسْمُ ظَاهِرٍ، ضَمِيرٌ بَارِزٌ

٧ عَيَّنِ الْإِجَابَةَ الصَّحِيحَةَ؟

الف: حَضَرَ الطَّالِبَةُ ب: الدَّرُوسَ كُتِبَ ج: الْمُعَلِّمُونَ ذَهَبَتْ د: طَارَ الطَّائِرَةُ

٨ أئج اءابة ءاطئء؟

ب: السئارات ءوقفت

الف: الأطفال ءمشئ

د: ءءرك السئارة

ج: بئعت الأقمشة

٩ ما هئ الاءابة الصءئءة للفراعات «... البئاءات ...»؟

ب: هءه - بئئء - عالة

الف: هءه - بئئ - عالة

د: اولئك - بئوا - عالة

ج: هولاء - بئئئ - عالات

١٠ أئج اءابة يكمل عبارة «... ءءلمئءاءء من المءرسة ل... إلى بئوء ...»؟

ب: ءرءء - ءهئئ - هئ

الف: ءرءئ - ءءهء - ها

د: ءرءء - ءءهء - ها

ج: ءرءء - ئءهئئ - هئ

١١ ما هو الصءئء عن انواع الفاعل فئ عبارة «ءرءء من البئء لأءءرئ العئز فصادءمءئئ

سئارة فئ الشارع»؟

ب: ضمئر مسءئر و اسم ظاهر

الف: ضمئر بارز و مسءئر

د: ضمئر بارز، اسم ظاهر و مؤؤل

ج: ضمئر بارز ، مسءئر و اسم ظاهر

١٢ ما هو الصءئء عن المبنئة للمءهول لءملة «أرءو أن أنءء»؟

الف: بئرءئ أن أنءء ب: أرءئ أن أنءء ج: بئرءئ نءءءئ د: الف و ج

١٣ عئئ الاءابة الصءئءة للفراع «ءلب ... عئئ من ... ه أن بئساعد ... عسرة»؟

ب: ابئ، اءو، ءا

الف: ابو، اءئ، ءئ

د: ابو، اءئ، ءا

ج: ابو، اءا، ءو

١٤ ما هو الصءئء عن ءأول الءملءئ فئ عبارة «من أراد أن عئش سعئدا بئبءئ عئئ أن

بئءر»؟

ب: مفعول - فاعل

الف: فاعل - مفعول

د: فاعل - ناءب فاعل

ج: مفعول - ناءب فاعل

١٥ عَيَّنَ ما يكمل عبارة «أُنقِدَ ... مِنَ العَرَقِ فَتَقَلَّ ... إلى المُسْتَوْصَفِ»؟

الف: التِّلْمِيذَانِ، هُمَا، المَعْلَمَيْنِ ب: التِّلْمِيذَيْنِ، هُمَا، المَعْلَمُونَ

ج: التِّلْمِيذَانِ، هُمَا، المَعْلَمُونَ د: التِّلَامِيذِ، هُم، المَعْلَمَيْنِ

١٦ عَيَّنَ الفاعل في عبارة «رَنَّ الجَرَسُ، فَالتِّلَامِيذُ خَرَجُوا مِنَ المَدْرَسَةِ ثُمَّ أَحَدَهُم آبَاءُهُمْ إِلَى بُيُوتِهِمْ»؟

الف: هو، واو، هو ب: جرس، واو، آباء

ج: جرس، التِّلَامِيذِ، هو د: هو، التِّلَامِيذِ، هم

١٧ ما هو الصحيح عن مفعوليَّ «أرى» في عبارة «أرى عليَّ اخاه كتابَهُ» بعد البناء للمجهول؟

الف: أخوه، كتابَهُ ب: أخيه، كتابَهُ ج: أخوه، كتابَهُ د: أخاهُ، كتابَهُ

١٨ عَيَّنَ الصحيح عن المبنية للمجهول لجملة «ساعد حسين أمَّهُ»؟

الف: ساعد الأمُّ ب: سَوَعَدَ الأمُّ ج: سَوَعَدَتِ الأمُّ د: سَوَعَدَتِ الأمُّ

١٩ أيّ اجابة يجعل الجملة «أُتِيحَتْ لي فُرْصَةٌ للمطالعةِ و البحثِ العِلْمِيِّ» مبنيةً للمعلوم مع «الجامعة»؟

الف: أُنَاخَتْ ب: أُتِيحِي ج: لُتِيحُ د: تُتِيحُ

٢٠ عَيَّنَ العبارة الصحيحة المؤولة للمصدر في «أَحِبُّ مَطالعةَ الكُتُبِ»؟

الف: إنَّ أَطالِعَ ب: كي أَطالِعَ ج: أنَّ المُطالعةَ د: أن أَطالِعَ

المرفوعات: المبتدأ و الخبر (۱)

۱ مبتدا چیست؟

۲ خبر چیست؟

۳ انواع خبر کدامند؟

۴ خبر مفرد چیست؟

۵ خبر جمله چیست؟

۶ خبر شبه جمله چیست؟

۷ ضمیر فصل یا عماد چیست؟

۱ المبتدأ: مبتدا اسمی مرفوع است که درباره‌ی آن خبر می‌دهیم. غالباً مبتدا معرفه بوده و در ابتدای جمله می‌آید. مانند: (عَلِيٍّ مَجْتَهِدٌ: علی کوشاست) و (العَرَبِيَّةُ لُغَةٌ عَالَمِيَّةٌ: عربی زبانی جهانی است)

۲ الخبر: خبر گزارشی است در قالب اسم، جمله یا شبه جمله که درباره‌ی مبتدا بیان می‌شود و شنونده یا خواننده را نسبت به موضوعی آگاه می‌سازد و مفهومی کامل را به مخاطب انتقال می‌دهد. بیان مفهوم کامل زمانی صورت می‌پذیرد که سکوت شنونده پس از شنیدن سخن متکلم صحیح باشد. مثلاً بعد از گفتن کلمه «عَلِيٍّ» شنونده منتظر است خبری درباره‌ی او بشنود که می‌توان به اشکال متعددی آن را بیان کرد، مانند: (عَلِيٍّ مَعْلَمٌ: علی معلم است)، (عَلِيٍّ يُدْرَسُ: علی درس می‌دهد)، (عَلِيٍّ عِنْدِي: علی نزد من است)، (عَلِيٍّ فِي الْمَدْرَسَةِ: علی در مدرسه است) و . . .

در این جملات عَلِيٍّ مبتدا است و (مَعْلَمٌ)، (يُدْرَسُ)، (عِنْدِي) و (فِي الْمَدْرَسَةِ) خبر هستند. مبتدا و خبر هم‌چون فعل و فاعل تشکیل جمله می‌دهند.

میان مبتدا و خبر رابطه (نسبتی) وجود دارد که «نسبت اسنادی» نامیده می‌شود. این اسناد را در فارسی با فعل (است) و مانند آن بیان می‌کنیم و همان‌طور که در مثال‌های گذشته ملاحظه نمودید این اسناد غالباً در لفظ جمله ذکر نمی‌شود و اصطلاحاً مقدر است، یعنی لفظ آن محذوف است ولی معنایش لحاظ شده و فهمیده می‌شود.

۳ انواع الخبر: خبر بر سه نوع است:

الف: مفرد (اسم جامد یا مشتق)، ب: جمله (اسمیه یا فعلیه)، ج: شبه جمله (ظرف یا جار و مجرور).

۴ الف: خبر مفرد آن است که جمله یا شبه جمله نباشد. این نوع خبر مشتق یا جامد است. مانند: الكتاب مفيد (خبر: مشتق: اسم فاعل) / العلم سراج (خبر: جامد غیر مصدری) / رأس الحكمة مخافة الله (خبر: جامد مصدری).

خبر مفرد می تواند مضاف، مثنی یا جمع باشد مانند: هذا كتابك - هذان كتابان - هذه كتب. خبر مشتق شامل اسم فاعل و مفعول، صیغه مبالغه، صفت مشبیه و اسم تفضیل و اسم منسوب می شود.

خبر مشتق در برگزیده‌ی ضمیری است که به مبتدا برمی گردد لذا خبر مشتق در تعداد و جنس با مبتدا مطابقت دارد. مانند: علي كاتب - فاطمة كاتبة - علي و حسين كاتبان - فاطمة و زينب و سوسن كاتبات و . . .

اما خبر جامد با مبتدا مطابقت ندارد. مانند: الأخبار ثلاثة (مبتدا جمع مذکر و خبر مفرد مؤنث است) و الخبر المفرد نوعان (مبتدا مفرد و خبر مثنی است)

جمع مکسر و جمع مؤنث سالم اگر برای غیر انسان به کار روند معادل مفرد مؤنث مجازی به شمار می آیند. مانند: العلوم نافعة، (مبتدا جمع مکسر و خبر مفرد مؤنث است). الأسد مفترسة، (مبتدا جمع مکسر و خبر مفرد مؤنث است). الغابات كثيرة الأشجار، (مبتدا جمع مؤنث سالم و خبر مفرد مؤنث است).

در جمع مذکر سالم مطابقت میان مبتدا و خبر در عدد و جنس واجب است. این مطابقت درباره جمع مکسر و جمع مؤنث سالم برای انسان نیز واجب است. مانند:

المعلمون قائمون - الرجال قادمون - الطالبات جالسات

۵ ب: الخبر الجملة: این نوع خبر بر دو نوع است: (۱) جمله اسمیه (۲) جمله فعلیه (۱) جمله اسمیه از مبتدا و خبر تشکیل می‌شود و در برگزیده ضمیر رابطی است که خبر را به مبتدا مربوط می‌سازد این ضمیر در تعداد و جنس با مبتدا مطابقت دارد. مانند: (طهران سگانه‌ها کثیرون: تهران ساکنانش بسیارند) ضمیر «ها» بعد از سکان رابط خبر به مبتدا است. جمله اسمیه «سگانه‌ها کثیرون» متشکل از مبتدا و خبر، برای «طهران» خبر به شمار می‌رود.

(۲) جمله فعلیه متشکل از فعل و فاعل بوده، مشتمل بر ضمیری است که مطابق با مبتدا در عدد و جنس است. مانند: (النَّاسُ يَمْشُونَ فِي السُّوَارِ) ضمیر او رابط به مبتدا است.

۶ ج: الخبر شبه الجملة: این نوع خبر نیز دو نوع است:

(۱) جار و مجرور مانند: عَلِيٌّ فِي الْمَدْرَسَةِ - عَلَى الْمِنْصَدَةِ كِتَابٌ
(۲) ظرف مانند: العُصْفُورُ فَوْقَ الشَّجَرَةِ - مَتَى الْإِمْتِحَانُ؟ جار و مجرور و ظرف در موقعیت خبر متعلق به صفت صرفی یا فعلی هستند که محذوف بوده و صرفاً معنای وجود داشتن از آن فهمیده می‌شود لذا متعلق، صفت یا فعلی است که ظرف یا جار و مجرور در معنا با آن در ارتباط است و بدون آن معنایش کامل نمی‌شود مانند کائین یا یکون (هست یا می‌باشد) به همراه (فوق الشَّجَرَةِ). یعنی گنجشک بالای درخت هست یا می‌باشد.

می‌توان برای یک مبتدا چندین خبر به کار برد. مانند:

(السَّبَّوْرَةُ، خَضْرَاءُ اللَّوْنِ، خَلْفَ الْمَعْلَمِ، يَمَسَحُهَا تَلْمِيذُ الْآنَ: تخته، سبز رنگ بوده پشت سر معلم است و دانش آموزی هم اکنون آن را پاک می‌کند).

گاهی مبتدا، جمله مؤوَل به مصدر است. مثلاً از آن ناصبه و فعل تشکیل می‌شود مانند: **أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ**. **أَنْ تَصُومُوا** در تأویل «صيامكم» است. یعنی (روزه گرفتن برای شما خوب است) به عبارت دیگر: **صيامكم خير لكم**.
 یا: **عندي أَنْ الصَّادِقُ مُفْلِحٌ** یعنی: بر این باورم که راستگو رستگار است. (أَنَّ الصَّادِقَ مُفْلِحٌ) در تأویل (فَلَاخُ الصَّادِقِ) و مبتدا است. به عبارت دیگر است: **عندي فَلَاخُ الصَّادِقِ**.

خبر جمله و شبه جمله و جملات مؤوَله اعراب محلی دارند. مثلاً: (يَزِدْحَم) متشکل از فعل و فاعل در عبارت «الشارع يزدحم بالسيارات» محلاً مرفوع است.

۷ ضمير الفصل (العماد): گاهی میان مبتدا و خبری که هر دو معرفه‌اند ضمير مرفوع منفصلی به کار می‌رود که نقش نداشته و محلی از اعراب ندارد و ضمير فصل یا عماد خوانده می‌شود. مانند: (فَرِيقُنَا هُوَ الْفَائِزُ: تیم ما تنها برنده است). در صورتی که در این جمله ضمير «هو» به کار نمی‌رفت، تصور می‌شد (فريقنا) موصوف و (الفائز) صفت آن است لذا جمله‌ای شکل نمی‌گرفت: چرا که ترکیب فَرِيقُنَا الْفَائِزُ معمولاً به معنای (تیم برنده‌ی ما) است و غالباً جمله‌ای را شکل نمی‌دهد.

بنابراین فائده ضمير فصل، رفع این گمان است که ترکیب، وصفی است. فائده دیگر ضمير فصل انحصار خبر و اختصاص آن به مبتدا می‌باشد لذا در صورتی که گفته شود (فَرِيقُنَا فَائِزُ: تیم ما برنده است) امکان پیروزی تیم‌های دیگر نیز وجود دارد اما در حالت کاربرد ضمير فصل، «فوز» اختصاص به «فريقنا» می‌یابد. به مثال‌های دیگر درباره ضمير فصل توجه کنید:

هذه المرأة هي المخلصه في عملها (تنها این زن در کارش مخلص است)

أخوak هما القائمان بالخير (تنها دو برادر تو به کار نیک می پردازند)
هؤلاء الطالبات هنّ الناجحاتُ (فقط این دانشجویان «دختر» قبول شده اند)

❖ ۱ اقرأ النَّصَّ قِرَاءَةً صَحِيحَةً ثُمَّ تَرَجِّمَهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

مدرستی تَفَعُّ على تَلَّةٍ مُشْرِفَةٍ على السَّهْلِ الفَسِيحِ. هي تَبْدُو كَقَلْعَةٍ رَابِضَةٍ على جانبِ القَرْيَةِ.

تَتَأَلَّفُ مدرستي من ثلاثِ طَبَقَاتٍ، في كُلِّ طَبَقَةٍ عَدَدٌ مِنَ العُرْفِ الواسِعَةِ. في كُلِّ عُرْفَةٍ شُبَّاکان و بابٌ واحدٌ. فيها عِدَّةُ مَقَاعِدَ لِلتَّلَامِيذِ و طاوِلَةٌ لِلْمُعَلِّمِ. على أَحَدِ حيطانها لَوْحٌ أَسْوَدٌ، إلى جانبِهِ لَوْحَةٌ خَشَبِيَّةٌ، عليها رسومٌ و صُورٌ مُخْتَلِفَةٌ الأشْكالِ و الألوانِ.

عِنْدَ الاسْتِراحةِ، الطُّلَّابُ يَخْرُجُونَ إلى المَلْعَبِ الواسِعِ فَفَرِيقٌ يَلْعَبُ بالكُرَةِ و آخَرُ يَرْكُضُ و ثالثٌ يَشُدُّ بالحَبْلِ. و عِنْدَما يُقَرَعُ الجَرَسُ، التَّلَامِيذُ يَصْطَفُّونَ بِانْتِظامٍ، كُلٌّ في صَفِّهِ، فَيَدْخُلُونَ فُصُولَهُمْ بِكُلِّ هَدْوٍ و يَسْتَأْنِفُونَ دَرُوسَهُمْ.

أنا أَحِبُّ مَدْرَسَتِي فَهِيَ تُثَقِّفُنِي و تُهْدِينِي إلى الصِّرَاطِ المُسْتَقِيمِ و تُعَلِّمُنِي كَيْفَ أَكُونُ مُواطِنًا صالِحًا.

❖ ۲ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَوْلَ النَّصِّ السَّابِقِ.

۱ أَيْنَ تَفَعُّ مَدْرَسَتُكَ؟

۲ ما الَّذِي يُحِيطُ بِالمَدْرَسَةِ؟

۳ مِنْ كَمِ طَبَقَةٍ تَتَأَلَّفُ مَدْرَسَتُكَ؟

۴ مَنْ يَخْرُجُ إلى المَلْعَبِ في الإِسْتِراحةِ؟

۵ مَتَى يَصْطَفُّ التَّلَامِيذُ؟

٦ لماذا نُحِبُّ مَدْرَسَتَكَ؟

٣ استخرج المبتدأ والخبر من النص السابق و اذكر نوع الخبر في الجدول التالي:

نوعه	الخبر	المبتدأ	نوعه	الخبر	المبتدأ
جملة فعلية	تبدو	هي	جملة فعلية	تقع	مدرستي

٤ إملأ الفراغات بالكلمات المناسبة.

(التلاميذ، أيام، نافذتان، كُرَاسَة، المُعَلِّم، الصَّديق، مَقْصَف، النَّافِذَتَانِ، طَاوِلَةٌ، مِصْبَاحَانِ، سَبَّوْرَةٌ، مُغْلَقٌ، سَاحَةٌ، أَشْجَارٌ)

صُفْنَا فِي الطَّابِقِ الثَّانِي مِنْ مَبْنَى الْمَدْرَسَةِ. لِلصَّفِّ فِيهِ خِضْرَاءُ نَكْتُبُ عَلَيْهَا هُنَاكَ
..... تَحْتَ السَّقْفِ. الْبَابُ الْآنَ اَمَا فَهِيَ مَفْتُوحَاتَانِ. فِي الْجِزْءِ الْأَمَامِيِّ لِلصَّفِّ
يَجْلِسُ حَلْفَهَا وَ عَلَيْهَا، عَادَةً الْعَائِيْنَ. لِمَدْرَسَتِنَا وَاسِعَةً فِيهَا وَ مَلْعَبَانِ وَ
فِي رُكْنٍ مِنْهُ يَشْتَرِي مِنْهُ مَأْكُولَاتٍ وَ مَشْرُوبَاتٍ. الْمَدْرَسَةُ هِيَ جَمِيلَةٌ وَ الْمَعَلِّمُ
تَعَالِيْمُهُ قِيَمَةٌ وَ ذِكْرِيَّاتُهُ مُثْبِتَةٌ لَنْ نَنْسَاهَا أَبَدًا.

٥ عَيِّنْ نَوْعَ الْمَرْفُوعِ مِمَّا تَحْتَهُ خَطٌّ فِي نَصِّ التَّمْرِينِ السَّابِقِ.

المرفوع	نوعه	علامة الرفع	المرفوع	نوعه	علامة الرفع
في الطابق الثاني	خبر - شبه جملة	محلي	الباب	مبتدا	ضمه

٦ حَوِّلِ الْجُمْلَةَ الْإِسْمِيَّةَ إِلَى الْفِعْلِيَّةِ وَ بِالْعَكْسِ.

- ١ الْعَمَّالُ شَارَكُوا فِي تَشْيِيدِ أبنية جَمِيلَةٍ.
- ٢ الصِّينِ وَ الْيَابَانُ تَسْتوردَانِ النَّفْطَ مِنَ الْخَارِجِ.
- ٣ أُفْتُحَتِ الْمَدَارِسُ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ مِنْ شَهْرِ مَهْرَ.
- ٤ شَكَرَ التَّلَامِيذُ مُعَلِّمَهُمْ بِتَقْدِيمِ بَاقَاتِ الْوَرْدِ لَهُ.

٥ سَيُغَادِرُ الْمُسَافِرِينَ صَالَةَ الْمَطَارِ.

٦ تَفِيضُ مِيَاهِ الْأَنْهَارِ فِي فَصْلِ الرَّبِيعِ.

٧ الْأَسْمَاءُ الْمَبْنِيَّةُ لَا تُعْرَبُ وَلَا تَتَصَرَّفُ.

٨ هَزَمَ الثُّوَارُ الْمُسْلِمُونَ الْأَسْتِعْمَارَ الْبَرِيطَانِيَّ.

٩ يَنْقَسِمُ الْجُمْلُ إِلَى الْأَسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ.

١٠ الشُّبَابُ يَبْحَثُونَ عَنْ فُرْصِ الْعَمَلِ فِي الْمُدُنِ.

❖ ٧ رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ لِتَكُونَ جُمَلًا مُفِيدَةً.

١ الرَّجُلِ - فَكَيْهِ - بَيْنَ - مَقْتَلًا.

٢ إِلَى - النَّاسِ - الصَّيْفِ - الْمَصَافِي - يُسَافِرُونَ - فِي.

٣ دَائِمًا - وَاقْفِينَ - يَمُوتُونَ - الْأَبْطَالِ.

٤ التَّعَاوُنِ - الْقُوَّةُ - فِي - الْهَلَاكِ - وَ - التَّفْرِيقَةُ - فِي.

٥ الْغَائِصِ - الْعِلْمِ - فِي - طَالِبُ - الْبَحْرِ - كَ.

٦ الظَّالِمِينَ - سَجُونُ - قِصُورُ.

٧ بَلَا - كَ - بَيْتٌ - كُتِبَ - جَسَدٌ - رُوحٌ - بَلَا.

٨ هُ - الْحَمَاقَةُ - الْعُجْبُ - عِنَاؤُ.

❖ ٨ اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ لِلْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.

١ ما هو نوع الخبر في جملة «في المدينة شوارعٌ واسعةٌ»؟

الف: شبه جملة ب: مفرد ج: جملة اسمية د: جمع

٢ أَيُّهُ اجَابَةُ تُكْمِلُ عِبَارَةَ «السِّيَّارَاتُ ... فِي الطَّرِيقِ»؟

الف: يسيرون ب: تسير ج: يسرن د: تسرن

٣ كم خبراً في عبارة «في البستان أشجارٌ خضراءُ أسقيها كلَّ يومٍ»؟

الف: ٢ ب: ٣ ج: ١ د: ٤

٤ ما هو اعراب (الحقيقية - كتب - في الحقيقية) في «في الحقيقة كتب»؟

الف: جرّ، رفع و جرّ ب: رفع، رفع، جرّ

ج: جرّ، رفع، رفع د: جرّ، رفع، نصب

٥ ما هو الخطأ عن أجزاء عبارة «فوق المنضدة دفاترٌ و أقلامٌ»؟

الف: دفاتر: مبتدا ب: اقلام: خبر

ج: فوق المنضدة: خبر د: فوق: متعلّقه محذوف

٦ ما هو نوع الخبر في جملة «في المدرسة تلاميذها»؟

الف: شبه جملة ب: مفرد ج: جملة اسمية د: جملة فعلية

٧ كم خطأ في عبارة «في طهران عدداً من المراكز السياحية»؟

الف: ٣ ب: ٢ ج: ٤ د: ٥

٨ ما هو نوع الخبر في جملة «العقلُ السليم في الجسم السليم»؟

الف: جملة اسمية ب: شبه جملة ج: مفرد د: جملة فعلية

٩ ما هو الخطأ عن أعراب عبارة «من الممكن أن تنجح في امتحانات الجامعة»؟

الف: من الممكن: خبر مقدم ب: أن تنجح: مبتدا مؤخر

ج: تنجح: فاعله أنت د: في امتحانات الجامعة: شبه جملة

١٠ ما هو الخبر في «رجائي أن يُوفّقك الله في حياتك»؟

الف: في حياتك ب: رجائي ج: أن يُوفّقك الله د: الله في حياتك